

۱-۱ مقدمه

به گفته موتیسوس، معماری وسیله واقعی سنجش یک ملت بوده و هست.^۱ معماری بازی با اشکال و ترکیب هنرمندانه ان با نور است. معماری متعلق به منطقه زبان نژاد و کشور خاصی نیست بلکه وقتی از معماری صحبت می کنیم هنر ایجاد یک فضا را بحث می کنیم که این توانایی در وجود هر انسان، منطقه و هر فرهنگی می تواند باشد.

از زمانی که تولد حضرت ادم، انسان نیاز به ایجاد فضایی برای ارامش زندگی کار و شکار داشته و به ترتیب زمانی این هنر تکامل یافته است. شاید بتوان داوینچی را شناخته ترین معمار دانست اگر چه پیش از او نیز صدها مهندس به شکل حرفة ای مشغول ساخت بناهایی برای استفاده بشر بوده‌اند. در

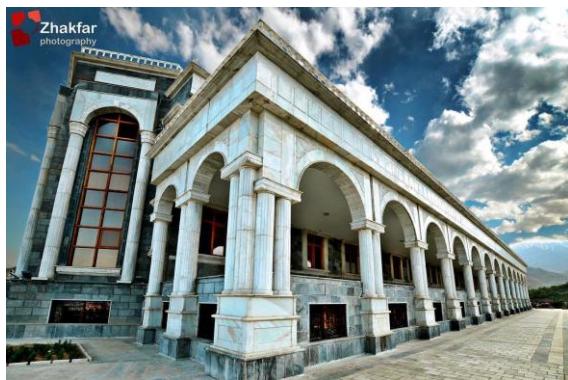


زمان‌های سابق معمار یا مهندس یا اعمار کننده بنا همه کارهای طراحی استراکچر، برق و تехنیکی را همزمان انجام می داد و دارای همه دانش مورد نیاز بوده است اما در زمان حاضر به

دلیل رشد علم و گوناگونی دانش بشری هر بخش نیاز به انجینیر خاص خود را دارد. معماری اسلامی به خودی خود معماری نمی تواند باشد بلکه هنر معماری که قبل از وجود امده تحت تاثیر دین اسلام رنگ حجم و شکل فضا تغییر یافته است و هم اکنون به عنوان معماری اسلامی محسوب می گردد.

^۱ گروتری، (۱۳۷۵) زیباشتختی در معماری، ترجمه‌ی جهانشاه پاکزاد- عبدالرضا همایون، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

به طور مثال گنبد در دوران اسلامی بوجود نیامده است و صدها سال قبل وجود داشته است اما با



امدن اسلام و گسترش مساجد در کشورهای یونانی و الهام از معماری شرق و غرب به یکی از عناصر اصلی معماری اسلامی تبدیل شده است و انواع مختلف پیدا کرده است. بی گمان ، ظهور و بروز هر پدیده ای در عرصه تاریخی، خلق

الساعه نبوده و منکی بر پدیده ها و زمینه پیش از خود است."معماری زنده آن است که معرف صادق



زمانه خود باشد. در همه قلمروهای ساخت آنرا می جوییم و از میان آنها کارهایی را بر می گزینیم که سخت از کاربری مورد انتظار تابعیت کرده ، با مصالح خردمندانه ساخته شده و با ترکیب متناسب عناصر ضروری به زیبایی دست یافته باشند." (آگوست پره)

۲-۱ تاریخچه مختصر افغانستان^۲

در حدود 600 ق.م. زردشت ظهور کرد و آیین یکتا پرستی و کتاب مقدس اوستا ترویج یافت که در این باره در بخش وندیداد^۳ به 16 سرزمین آفریده اهورا مزدا^۴ اشاره می شود. در دوران پیش از تاریخ به سبب نبود خط و کتابت در آن معلومات زبادی از آن در دسترس

² Newid Dr. Mehr A.

³ Vendidad/Videvdad

⁴ Ahura Mazda

3 معماری اسلامی در افغانستان

نیست و فرضیات دانشمندان از این دوره تنها بر آثار بدست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی و مطالعات زبان‌شناسی استوار است.

۱-۲-۱ دوران پارینه‌سنگی^۵ یا عصر حجر^۶ (سنگ)

نخستین و طولانی‌ترین مرحله زندگی انسان است که از دو میلیون و پانصد هزار سال تا دوره نوسنگی (عصر حجر نو)، زمانی که انسان با کشاورزی آشنا شد، - دوازده هزار سال پیش- را در بر می‌گیرد.^۷ در شمال افغانستان، از بلخ تا سرحد هندوستان، شواهدی روشن بر فرهنگ‌های عصر حجر،



عصر نوسنگی و عصر بُرُز اولیه موجود است. در یک پناهگاه صخره‌ای در قره‌کمر، در ۱۴ مایلی شمال سمنگان ابزاری متعلق به عصر حجر با قدمتی حدود 30.000 پیش از میلاد بدست آمده‌اند. بیشتر از 20.000 ابزار

سنگی بدست آمده از آق‌کپرُك در ولایت بلخ آنچنان ماهرانه ساخته شده‌اند که باستان‌شناسان اغلب از سازندگان این ابزار در آق‌کپرُك بعنوان میکل آنجلوهای دوره پارینه‌سنگی فوقانی یاد می‌کنند.^۸.

⁵ Paleolithic

⁶ Palaeolithic

⁷ تارنمای موزیم بریتانیا، نمایش گنجینه‌های باستانی افغانستان در نمایشگاهی تحت عنوان 'افغانستان، چهارراه دنیا' کُهن[']

⁸ New prehistoric localities in the Dasht-i-Nawur / Louis Dupree and Richard S. Davisin: Afghanistan, vol. 29 no. 3 1976 Kabul.

۲-۲-۱ هخامنشیان (552-330)، داریوش (480)

در سنگ نبشته بیستون از چند ایالت امروزی افغانستان نام برده شده است:

- هرات^۹

- زرنج، سیستان^{۱۰}

- سرزمین سغد به شمال سمرقند^{۱۱}

- از غزنی و کابل تا پشاور^{۱۲}

- بلخ^{۱۳}

- بست، قندهار تا زابل^{۱۴}.



آثار برجسته از دوران هخامنشیان در شمال افغانستان در گنجینه آمودریا در ۱۸۸۰ میلادی بدست آمده است. همچنین اثار با ارزشی از تمدن‌های مختلف در تخت سنگین در نزدیکی تخت گُواد، در کابل مسکوکات چمن حضوری در سال ۱۹۳۳ و

در میرزَکَه در ولایت پکتیا در سال ۱۹۴۷ بدست آمده‌اند. گفتنی است که از میرزَکَه در حدود ۴.۵ تن

⁹ Aria (Haraiva)

¹⁰ Zranka (Drangiana)

¹¹ Sugda (Alexandria Maracanda)

¹² Gandara (Gandhara)

¹³ Bactriah (Bactria)

¹⁴ Harauvatish/Sarasvati (Arachosia)

۵ معماری اسلامی در افغانستان

سکه و حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ کیلوگرم آثار طلایی و نقره‌ای و ظروف ارزنهای بدست آمده است، که در جریان جنگ‌های داخلی افغانستان، بین سال‌های ۹۳-۱۹۹۲ میلادی غارت شد و در پاکستان به نرخ بسیار نازل فروخته شد، که حدود ۶۰ درصد آن توسط یک سرمایه‌دار چاپانی خریداری شد که وی برای این گنجینه توسط یک مهندس امریکایی در شهر کیوتو چاپان موزیمی ساخت که بنام موزیم میهو^{۱۵} مشهور است.^{۱۶}

۳-۲-۱ اسکندر مقدونی^{۱۷}

اسکندر مقدونی فرزند فیلیپ مقدونی بود. اسکندر در طی دوران نوجوانی تحت نظر دانشمندان عصر



خود، از جمله ارسسطو پرورش یافت. او پس از استیلای بر یونان، با فکر جهانی کردن فرهنگ یونانی به تدارک ارتشی وسیع پرداخت تا به آسیا

لشکرکشی‌های اسکندر مقدونی در آسیا بین سال‌های ۳۳۰ تا ۳۲۳ ق.م حمله‌ور شود.

با شکست داریوش سوم، آخرین پادشاه هخامنشی، در جنگ با یونانی‌ها و سقوط تخت جمشید بدست اسکندر (۳۳۱ ق.م) امپراتوری هخامنشی نیز در هم شکسته شد. اسکندر پس از تسخیر

¹⁵ Miho Museum

¹⁶ مصاحبه با پروفیسور زبیری‌آیی طرزی، باستان‌شناس افغان و استاد دانشگاه استراسبورگ فرانسه، استودیوی شماره هفت، تارنمای بی‌بی‌سی فارسی، ۲۷ نوامبر ۲۰۰۷ - ۰۶ قوس (آذر) ۱۳۸۶

¹⁷ Alexander the Great - Harauvatish/Sarasvati (Arachosia)

گرگان^{۱۸} از پایتخت آن زادراکرته حرکت کرده در شهر سوسیا^{۱۹} یکی از شهرهای ساتراپی هرات^{۲۰} رسید.

اسکندر در نزدیکی ارتاکوانا شهری آباد کرد و نامش را اسکندریه آریانا^{۲۱} نهاد که همان هرات^{۲۲}

امروزی است. این پُرتریتِ اسکندر

مقدونی بر روی این سکه طلا که
از گنجینه میرزکه در سال ۱۹۹۳
در ولایت پکتیا بدست امده یکی
از تنها دو سکه موجود در دنیا
است که در دوران زندگی اسکندر



ضرب شده است. سکه دیگر در زادگاهش در ورگینا شهری کوچک در شمال یونان کشف شده بود.
اسکندر با وجود برفهای بسیار و نبودن آذوقه و خستگی‌ها، هندی‌های سرحدی را مطیع کرد و
رهسپار کوههای هندوکش که تاریخ‌نویسان یونانی آن را پاراپامیز^{۲۳} و یا قفقاز هند^{۲۴} گفته‌اند شد و در
آنجا به سرزمینی رسید که حتی همسایگانشان آنها را نمی‌شناختند زیرا مردم مزبور از هرگونه روابطی
با مردمان دیگر دوری می‌جستند، این قوم پاراپامیز نام داشت. اسکندر با وجود سختی آب و هوای این
سرزمین بدرون آن راند و لشکر مقدونی دچار قحطی و سرمای سخت و درد و رنج بسیار گردید

¹⁸ Hyrcania

¹⁹ Susia

²⁰ Areia

²¹ Alexandria in Ariana

²² Areia

²³ Parapomisus یا Paropamisadae

²⁴ Caucasus Indicus

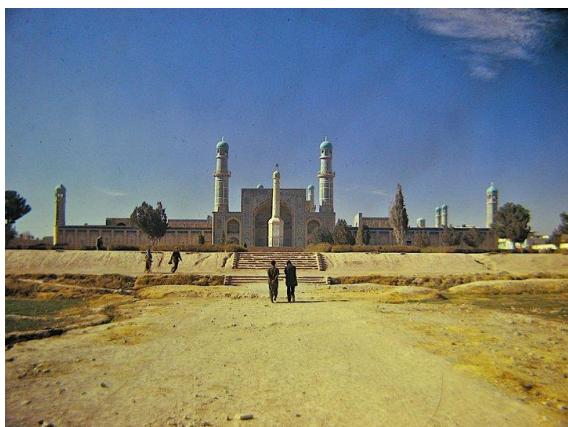
معماری اسلامی در افغانستان 7

اسکندر خود را به کابل و از آنجا به پروان رسانید و زمستان را در آنجا به سربرد. او در نزدیکی مدخل دره سالنگ، دژی را به نام خود ساخت. اسکندر این شهر را برای پادشاهی از شهر کاپیسی (کاپیسا) در نخستین شیب‌های جبل السراج کنونی (پروان کهنه) برپا نمود که به نام اسکندریه قفقاز²⁵



شناخته شد که همان بگرام امروزی می‌باشد. اسکندر در کشورهای تحت استیلا و تسلط خود شهرسازی بود، و در دوران کشورگشای او در افغانستان هفت شهر بدست وی یا جانشینانش تهداب‌گذاری شده که به نام اسکندریه

معروف هستند. اسکندریه آریانا²⁶ یکی از این شهرهاست که همان هرات امروزی است. قلعه



اختیارالدین در طول تاریخ چندین بار ویران شده. تیمور نیز در حمله به هرات آن را ویران کرد، اما شاهرخ پسر او آن را بازسازی کرد.²⁷

25 Alexandria on the Caucasus

26 Alexandria of Ariana

27 سایت بی‌بی‌سی فارسی، 'هنر معماری دوره تیموریان در شهر هرات'، محمد قاضی‌زاده، بازیابی در ۰۸ مه ۲۰۱۱

4-2-1 سلوکیان^{۲۸} (323-232)

پس از مرگ اسکندر مقدونی در ۳۲۳ پیش از میلاد، اغتشاشی بزرگ سراسر کشور را فرا گرفت و



مهاجرنشینان و سربازان پیشین یونانی کنترل باخترا بدست گرفتند. سرانجام، سه حکومت مقدونیه در اروپا، یونانی در مصر و سلوکی در آسیا را بنا نهادند. بدین ترتیب سرزمین‌های شرق به سلوکوس رسید و این سرزمین‌ها جزء قلمرو سلوکیان درآمدند که از بابل اداره می‌شد. سلوکوس با مائوریاها صلح می‌کند و جنوب افغانستان را به ازای ۵۰۰ فیل جنگی به آنها واگذار می‌کند. وجود امکانات سیاسی، بازرگانی و هنری سبب گردید تا اقسام مختلف مردم یونان، به شهرهای تازه احداث شده، مهاجرت کرده و در کنار ساکنین بومی، سکنی گزینند و به این ترتیب زمینه ترویج فرهنگ و هنر یونانی و پشتیبانی از حکومت یونانی فراهم گردید. پیکره شاهدخت نمونه اس از این اثار باستانی است²⁹.

5-2-1 شاهان یونان باخترا³⁰

از 256 به بعد، دیودوت یکم³¹ در سال 256 ق.م. اعلام استقلال کرد. شاه مقتدر دیگر او تیdemos³² 195-230 نام داشت. آی خانم³³ (ماه بانو) ویا و بعدها نام گذاری شد.

²⁸ Seleucids

²⁹ پیکره زنی مشهور به «شاهدخت باختری» (Baibas Kaunakes)، بدست آمده از مجموعه باستان‌شناسی بلخ-مرو یا تمدن آمودریا، سرزمین باستانی باختر در شمال افغانستان، هزاره دوم پیش از میلاد، موزیم لوور در پاریس

³⁰ The Greeks in Bactria and India

³¹ Deodotos I

6-2-1 موریای هند³⁴ (275-185)

آشوکا³⁵ قسمت های از افغانستان را متصرف شد، سنگ نبشته قندهار³⁶ در دو زبان شاهد آن می باشد.

7-2-1 اشکانیان³⁷ از حدود 200 ق.م. تا 225 ق.م.

۱۶۰ ق.م-۲۲۵ ق.م: در حوزه های هرات و بادغیس و در ۱۵۵ ق.م-۲۰ ق.م: در حوزه سیستان؛ و ۹۰-۱۵۵ ق.م: در حوزه های قندهار و بُست حکومت کردند.



سکه مهرداد یکم

مهرداد قلمرو امپراتوری اشکانیان را به سوی غرب با گرفتن بابل از سلوکیان و به سوی شرق با ضمیمه کردن هرات و

بیشتر جنوب افغانستان به امپراتوری اشکانیان وسعت بخشدید. نام سرزمین پارت در کتیبه های داریوش بزرگ پرتوه آمده است که به زبان پارتی پهلوی می شود، چون پارتیان از اهل ایالت پهله بودند، از این جهت در نسبت به آن سرزمین ایشان را پهلوی نیز می توان خواند.

³² Euthydemos

³³ Alexandria on the Oxus یا Eucratidia

³⁴ Maurya Dynasty

³⁵ Ashoka

³⁶ Bilingual from Kandahar

³⁷ Arsacids

³⁸ Mithridates

39-2-1 کوشانیان

کوشانیان بزرگ از حدود 80 تا 225 م و کوشانیان کوچک از 225 تا حدود 400 م کانشکا از حدود 127 تا 140 م حکومت کردند.



سکه طلا با نوشته نام

40 بودا

کوجوله کادفیز پس از گرفتن

با ختر از سکاهای و هندوپارتیان قلمرو فرمانروایی کوشان را به سرزمین گندهارا در شمال شرقی افغانستان و شمال پاکستان گستراند و شهر تاکسیلا در شمال غرب هندوستان (پاکستان امروزی) را پایتحت مهم خود، و شهر بگرام که در دوران باستان کاپیسا نامیده می‌شد، در نزدیکی پایگاه هوایی بگرام را به عنوان پایتحت تابستانی خود برگزید که این شهر مرکز عمدۀ بازار گانی نیز بود. کوشانیان حامیان و مشوقان اصلی هنر بودند.

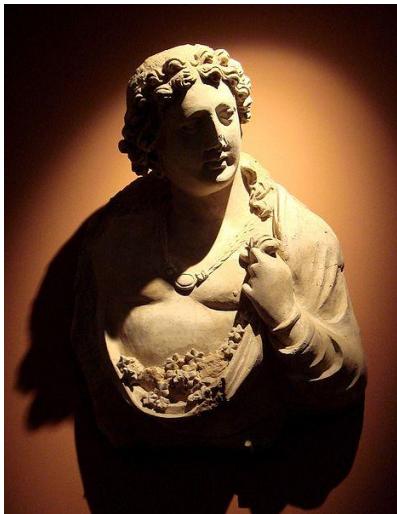
کوشانیان در سفارش دادن آثار هنری، دستور می‌دادند تا چهره‌ها و پوشاك آنان در کنار بودا و همراهان وی قرار داده شوند. این خوداستواری جدید سبکی بی‌نظیر از هنر گندهارا را پدید آورد. در نوشته‌های بودایی، از کانیشکا شاهنشاه کوشانی (حدود ۱۰۰ م.) او که هیچکس دیگری چون او پشتیبانی نیک‌خواهش آیین بودایی را حمایت کرده، تجلیل شده است. مجموعه معابد بودایی در هده که یک ساحة باستان‌شناسی یونانی-بودایی واقع در سرزمین باستانی گندهارا، در ده کیلومتری جنوب شهر

³⁹ Yuezhi=(The Kushan Empire (BHS *Guṣāṇa-vamśa*, Parthian *Kuśanxśaθr*)

⁴⁰ BODDO= Buddha

11 معماری اسلامی در افغانستان

جلالآباد در شرق افغانستان است، یکی از بزرگترین معابد و مجموعه زیارتگاه‌های بودایی در جهان، طی سده‌های نخست تا سوم میلادی بوده است. هده با موقعیت کلیدیش در مسیر دو هزار مایلی سفر زائران و مبلغان بودایی از هند به چین، مرکزی فعال برای ترجمه و تکثیر (نسخه‌برداری) نوشته‌های بودایی و همچنین هنر تندیس‌گری شمرده می‌شد. بیش از 23.000 پیکره‌های یونانی-بودایی ساخته شده از خاک رس و گچ، تزئینات معماري و سردیس‌ها و تندیس‌هایی که مردان، زنان، کودکان، دیوهای گوناگون، سالخوردگان، با حالات و پوشاك قابل تصور، از هر طبقه و مقامی، از هر گونه چهره‌ای از هر گوشه دنیا را نشان می‌داد.



۹-۲-۱ شاهنشاهی ساسانیان و کوشانی ساسانیان^{۴۱}

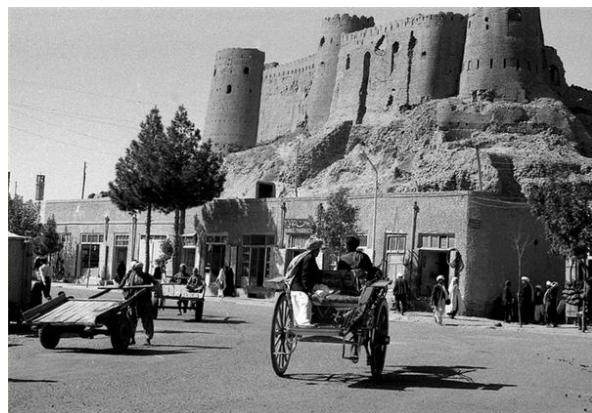
ساسانیان نخستین-ح. ۳۴۵-۲۷۵ م: تنها در حوزه‌های بلخ، بدخشان، کابل و جلال‌آباد؛ ۴۵۰-۲۷۵



م: در بقیه نقاط کشور کوشانی ساسانیان-ح. ۴۲۵-۳۴۵ م: در بلخ و بدخشان؛ و ۴۵۰-۳۴۵ م: در حوزه‌های کابل و جلال‌آباد و ساسانیان واپسین-ح. ۶۵۰-۴۵۰ م: در هرات، بُست و سیستان؛ ۶۵۰-۵۶۵ م: در بادغیس، بلخ و بدخشان؛ و ۶۵۰-۵۳۵ در بقیه نقاط کشور

۱۰-۲-۱ ساسانیان ۲۲۰ تا ۶۵۰

شکست کوشانیان و تسخیر کوشان شهر به دست ساسانیان. اطلاعات درین باره در نوشتۀ ایران شهر



به خط پهلوی که اصل آن از بین رفته و ترجمۀ ارمنی آن از موسی خورنۀ⁴² از قرن پنجم م. بجا مانده است.

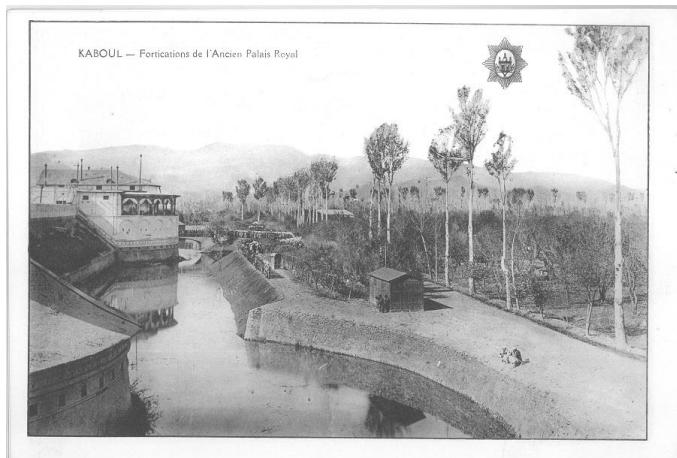
⁴¹ ThaSasanid Empire

⁴² Moses of Choren

۱۳ معماری اسلامی در افغانستان

۱۱-۲-۱ کیداریان از حدود ۴۶۰-۴۶۵ م.

در بلخ، بدخشنان، کابل و جلال‌آباد پایان فرمانروایی کوشانی‌ساسانیان خلاء قدرتی را در اوخر سده چهارم میلادی بوجود آورد که بزوی توسط نخستین قبیله هون‌ها پُر شد. خاستگاه آنها در آسیای میانه یا منطقه دریای سیاه بود و به کیداریان معروف بودند. کیداری‌ها در طی دهه بیست از سده پنجم میلادی (سال‌های ۴۲۰) در شمال افغانستان و قبل از تازش بهسوی شرق و فتح پیشاور بهقدرت رسیدند. کیداریان از سال ۴۵۶ میلادی به بعد علیه ساسانیان جنگیدند. فرمانروایی صدساله کیداری‌ها در دوران اوج اقتدار خود، از آمودریا تا دریاچه آرال گسترده بوده، و



پایتخت آنها در فرارود (ماوراءالنهر)، در منطقه‌ای که متون تاریخی آن را "جنوب هونوک 'سرخ'" (مکان نامعلوم) نامیده‌اند، واقع بوده و در سده پنجم میلادی بهسوی غرب کیوه "سفید" (مکان نامعلوم) منتقل شده‌بود. در این منطقه کیداری‌ها در سال‌های ۴۵۰ میلادی، با یورش قوم کوچنشین جدیدی بنام هفتالیان مواجه می‌شوند.

12-2-1 هفتالیان (هون های سفید) یا خیون ها⁴³:

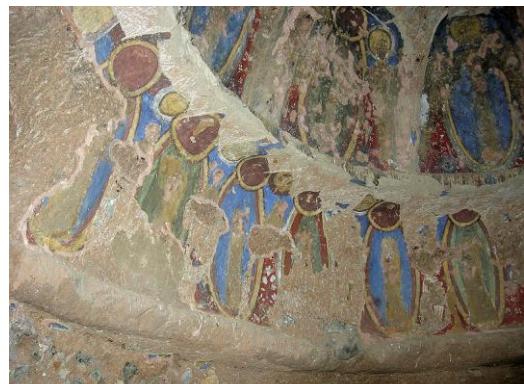
ح. ۴۷۵-۵۶۵ م. : در بلخ و بدخشان؛ ۴۵۰-۵۳۵ م. : در حوزه های کابل، جلال آباد، غزنی و قندهار؛

و ۴۸۵-۵۶۵ م. : در حوزه بادغیس. بودا های بامیان و آثار فندقستان احتمالاً از همین دوره می باشد. ح. ۴۷۵-۵۶۵ م. : در بلخ و بدخشان؛ ۴۵۰-۵۳۵ م. : در حوزه های کابل، جلال آباد، غزنی و قندهار؛ و ۴۸۵-۵۶۵ م. : در حوزه بادغیس تصویر تندیس بودای کوچک ۳۸ متر که در سال ۱۹۷۷ قبل از آنکه توسط طالبان در سال ۲۰۰۱ تخریب شود، سده ششم پس از میلاد، بامیان، مرکز افغانستان



اگرچه منابع تاریخی از تخریب پایگاه های بودایی بدست هفتالیان خبر می دهند، اما به بامیان آسیبی زیادی نرسیده، جاییکه دو تندیس بزرگ بودا به احتمال زیاد در اوآخر حکومت هفتالیان بنا شده اند.

نقاشی های مغاره های بامیان نخستین نقاشی هایی دنیا هستند که در آن از رنگ روغنی به کار رفته است. نسخه های خطی که بین دهه های هشتاد تا اوآخر نود میلادی از دوران هفتالیان و کوشان شاهیان در افغانستان



⁴³ Ephtalites/Chionites

۱۵ معماری اسلامی در افغانستان

بدست آمده‌اند نشان می‌دهند که هفتالیان زبان باختری (بلخی) را به خط یونانی که از دوران کوشانیان بطور سنتی بعنوان خط اداری در این منطقه بکار می‌رفته می‌نوشتند. هوان‌تسنگ در سفر خود به کابل در زمستان سال ۶۴۴ میلادی این شهر را اینچنین توصیف کرده:

"هوا بسیار سرد و یخی است، مردان اینجا ذاتاً نیرومند و تندخو هستند و شاه یک ترک است. ایمان انها به بوداگری راسخ است. او به اموختن ارج می‌ند و هنردوست است".

دو تندیس بزرگ از بودا در بامیان به بلندای ۵۵ متر و ۳۸ متر، بزرگ‌ترین تندیس‌های بودا و بلندترین مجسمه‌های سنگی در جهان به شمار می‌آمدند، و برای زمانی طولانی از جاذبه‌های اصلی گردشگری در افغانستان بودند. اطراف تندیس‌ها صدھا مغاره وجود دارد که گفته می‌شود قبل از اسلام راهبان بودایی در آنها مشغول عبادت و آموزش آموزه‌های بودایی بوده‌اند.



پیکره بوداسف^{۴۴} بدست آمده از نیایشگاه فندقستان در ولایت پروان، سده هفتم پس از میلاد، موزیم گیمه در پاریس این پیکره پر از نقاشی‌های مذهبی بوده و در بیشتر این نقاشی‌ها تصویر زنان و مردان نقاشی شده‌است. برخی از این نقاشی‌ها مربوط به لحظاتی از زندگی بودا می‌شود. گفتنی است بامیان در عهد باستان مرکز مهم بوداگرایی بوده، و با قرارگرفتن در قلب جاده ابریشم استراحتگاهی برای کاروان‌ها بوده و راهبان بودایی را از سرتاسر منطقه جذب می‌نموده است. معابد صخره‌ای متعددی در دره بامیان، در قلب رشته‌کوه‌های هندوکش، در مسیری صعب‌العبور واقع هستند، که سرزمین‌های باستانی کاپیسا و باختر را به یکدیگر متصل می‌کرد^{۴۵} در بامیان معابد

⁴⁴ Bodhisat(t)va

بودایی وجود دارند که در آن پیکره‌های گلی رنگ‌آمیزی شده موجود بوده و احتمالاً در سده سوم میلادی بنا شده و هنوز تا سده‌های هشتم و هشتم میلادی فعال بوده‌اند. این معابد از هنر ساسانیان ایران و بعدها از فرهنگ هندی گندهارا و پست-گوپتا تاثیر پذیرفته بودند.



فُندُقِستان :معبدی کوچک در مسیر

بامیان است که تندیس‌های زیبای آن از گل نیخته رنگ‌آمیزی شده، با قدمت سده هشتم میلادی با ویژگی تاثیرپذیری از سبک‌های همزیست‌گونه متعدد ایرانی، هندی و آسیای میانه است⁴⁶.

-2-1

45 A. Godard, *Les antiquités bouddhiques de Bamiyan*, Paris, MDAFA 2, 1928; J. Hackin and J. Carl, *Nouvelles recherches archéologiques à Bamiyan*, Paris, MDAFA 3, 1933; Z. Tarzi, *L'architecture*

46 J. Hackin, "Le monastère bouddhique de Fondukistan," MDAFA 8, Paris, 1959,